

◆ غدیر، بزرگترین عید همه ادیان الهی

دوشنبه ۲۲ آبان ۱۳۸۵

عید غدیر را که در روایات اسلامی به عید الاکبر (بزرگترین عید) تعبیر شده است، می‌توان به بزرگترین عید تمام ادیان الهی تعبیر کرد، چرا که حاصل زحمات تمام فرستادگان الهی، در این روز به نتیجه رسیده است.

آنگاه که نوح نبی (علیه السلام) بر مردم نازل شد، دین خود را به آنها عرضه داشت و فرمود: "خداوند شما را به این دین فرا خوانده است؛ اما بدانید که بعد از من پیامبری خواهد آمد که آیین او کاملتر است، پس به او بگروید و آگاه باشید که کاملترین دین، نزد آخرین فرستاده خداست." همین طور ابراهیم، موسی و عیسی (علیهم السلام) آمدند و به تدریج، دین خدا را کامل نمودند و وعده به کاملترین دین، یعنی دین آخرین رسول الهی، دادند.

حال اسلام بر مردم نازل شده است و دین به آخرین مرحله کمال رسیده و حاصل تلاش تمامی پیامبران الهی در اسلام متجلی شده است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و

آله و سلم) در طول ۲۳ سال با زحمت و تلاش فراوان، آن را به بار نشانده و برابری و برادری را در بین تمام مسلمین جاری نموده است. او اینک برای زیارت خانه معبود رهسپار می‌شود و مسلمین را از هر رنگ و نژاد، برای حجه الوداع که آخرین حج اوست، فرا می‌خواند.

مردم، دوشادوش حضرت، حج بجامی‌آورند و آخرین صحبت‌های ایشان را از زبان‌شان می‌شنوند. در راه بازگشت جبرئیل بر حضرت نازل می‌شود: "یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک" پیامبر که به نفاق عده‌ای از همراهان خود از طریق وحی الهی^(۲) آگاه بود، از برخورد آنان بیمناک شد.

در این هنگام جبرئیل امین برای دومین بار نازل شد: "یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک" رحمه للعالمین (صلی الله علیه و آله و سلم) هراسناک از دلهای مریض و ایمانهای سست تازه مسلمانان، راه تازه‌ای می‌جست که جبرئیل برای سومین بار نازل شد: "یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک فان لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس"^(۳)

این چه پیامی است که اگر به مردم ابلاغ نشود، رسالت به انجام نرسیده است؟

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) که هم دارای مقام نبوت و هم دارای مقام رسالت می‌باشد، در این آیه با عبارت "یا ایها الرسول" مورد خطاب قرار گرفته‌اند که بیان گر آن است که در اینجا مقام رسالت آن بزرگوار مورد نظر است. از طرفی "فما بلغت رسالتی" نشانگر آن است که انجام ندادن این عمل و نرساندن این پیام از طرف خداوند، سبب عدم انجام وظیفه رسالت آن حضرت می‌شود.

در ادامه آیه، خداوند به قلب نورانی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اطمینان می‌دهد و می‌فرماید: "و الله یعصمک من الناس" خداوند تو را از آسیب مردم حفظ می‌کند. مراد از آسیب مردم، آسیب جسمی، مالی و... نیست؛ چرا که پیامبر هیچ‌گاه در میادین جنگ هراسی به دل راه نمی‌داد و زندگانی آن حضرت، سراسر گواه این مطلب است که در تمامی جنگها، رسول اکرم حتی یک قدم هم به عقب بر نداشت. حتی در جنگ احد بعد از این که به ظاهر، مسلمانان شکست خوردند و سپاه اسلام از هم گسست، آن حضرت همچنان در برابر مشرکین می‌جنگید. به علاوه خداوند نه تنها رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بلکه تمامی رسولان خود را این گونه

توصیف می‌نماید: "الذین یبلغون رسالات الله و یخشونه و لا یخشون احدا الا الله،

کسانی که رسالت خداوند را ابلاغ می‌نمایند و از او می‌ترسند و از هیچ کس غیر او

نمی‌هراسند." (۴) پس هراس آن حضرت به خاطر آسیب دیدن اصل دین، توسط مردم

و به خاطر جهل آنان بود و این، بشارت خداوند برای غلبه بر جهل مردم بود؛

همانگونه که به موسی (علیه السلام) نیز فرمود: "لا تخف انک انت الاعلی" (۵)

پس پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در موضع غدیر توقف می‌کنند. آنان که

جلوتر رفته بودند را فرا می‌خوانند و صبر می‌کنند تا افرادی که هنوز نیامده‌اند به

آنان ملحق شوند. پس به بالای بلندی می‌روند و خطبه‌ای ایراد می‌کنند:

"خدای را سپاس می‌گویم و بر بندگی خود و پروردگاری او اقرار می‌کنم. جبرئیل

تا کنون سه بار بر من نازل شده است و از جانب پروردگار مرا امر نموده که در

این زمین بر پای بایستم و رسالت او را به پایان برم. آیا من ولی شما بر شما

نیستم؟" همگان پاسخ دادند: "آری." و حضرت ادامه داد: "آیا من پیامبر و رهبر

شما نیستم؟" و باز همه سر به تعظیم خم می‌کنند. آنگاه حضرت دست علی بن

ابیطالب (علیه السلام) را گرفته و بلند می‌کند و می‌فرماید: "من کنت مولا فهدا علی

مولا، هر که من ولی و سرپرست اویم، پس علی سرپرست و ولی اوست."

سپس مردم در محل خیمه‌ای که به امر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)،

برپاگشته بود؛ بر علی (علیه السلام) وارد شدند و به ایشان تهنیت گفتند و آن

حضرت را امیر المؤمنین خطاب نمودند؛ که مورخین عده آنان را تا ۱۲۰،۰۰۰ نفر

ذکر کرده‌اند.

در آن هنگام این آیه نازل شد: "الیوم یئس الذین کفروا من دینکم فلا تخشوهم و

اخشون الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا،

امروز کافران از دین شما مأیوس شدند؛ پس، از آنان نترسید و از من بهراسید.

امروز دین شما را کامل نمودم و نعمت خویش را بر شما تمام، و برای شما به اسلام

به عنوان دین راضی شدم (راضی شدم که اسلام دین شما باشد)."^(۶)

در قرآن کریم واژه "الیوم و یومئذ" بیشتر برای معاد به کار برده می‌شود؛ ولی در

این آیه در باره ظهور امامت به کار رفته است. از آن جایی که قرآن مطالب مهم را با

لفظ "الا و الیوم" آغاز می‌کند، معلوم می‌شود که خبر بسیار مهمی در این آیه وجود دارد که دوبار در آن کلمه الیوم استفاده شده است و آن خبر مهم، همانا تعیین سرپرست برای امت اسلامی، پس از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌باشد.

این اتفاق مهم، باعث مأیوس شدن کفار شد. دشمنان اسلام می‌گفتند: "نتربص به ریب المنون"^(۷) ما مرگ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را انتظار می‌کشیم تا با مرگ او بساطش برچیده شود؛ چرا که با کتاب و قانون می‌توان مبارزه کرد و آنرا مطابق میل خود و بر خلاف نظر خداوند، تفسیر نمود؛ اما با این رهبر الهی نمی‌توان به مقابله پرداخت. لذا واقعه غدیر خم که ادامه رهبری امت اسلامی را برای شخصی با داشتن خصائص شجاعت، درایت و صبر و پایداری همانند پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اعلام می‌دارد، این تنها امید کافران را نیز به یأس بدل کرد؛ و بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) جانشینی الهی از جانب خداوند برای ادامه راه او و سرپرستی مسلمین تعیین نمود.

در قسمت بعدی آیه، از کامل شدن دین و تمام شدن نعمت سخن به میان آمده است. منظور از نعمت در این قسمت آیه، نمی‌تواند نعمتهای مادی باشد؛ چرا که نعمتهای مادی هنوز هم جاری هستند و چیزی نیستند که تمام بشوند و هر روز و هر لحظه، از جانب خداوند، بر مخلوقات نازل می‌شوند و نمی‌توان در باره آنها کلمه تمام کردن نعمت از جانب خداوند را به کار برد. پس نعمتی دیگر (و به مراتب بالاتر و مهمتر از نعمتهای مادی) مورد نظر آیه است. بر طبق واقعه غدیر، همانا آن نعمت، چیزی جز نعمت ولایت و امامت نیست. خداوند نیز در قرآن نعمت رسالت و نعمت امامت را به عنوان برترین نعمتهای خویش ستوده و اصطلاح **نعت سنگین و طاقت فرسا** که حمل و هضم آن دشوار است) را برای آن دو نعمت به کار برده است. "لقد منّ الله على المؤمنين اذ بعث فيهم رسولا من انفسهم، همانا خدا بر مؤمنین نعمتی سنگین عطا نمود آن هنگام که از بین آنان رسولی را مبعوث کرد." ^(۸) "و فریدان نمّن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین، ما اراده کردیم که بر آنانی که در زمین ضعیف شمرده شدند، نعمتی سنگین بدهیم و آنان را امام قرار دهیم و وارثان زمین." ^(۹)

و در نهایت اینکه زحمات تمام پیامبران پیش از اسلام و زحمات ۲۳ ساله پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در روز غدیر به بار نشست و حجت خداوند بر انسان تمام شد.

از لحاظ روایی نیز ذکر این نکته ضروری است که در طول تاریخ اسلام، کمتر واقعه‌ای سندی به محکمی سند غدیر دارد. مسعود ابن ناصر سجستانی در کتاب ولایتکده که ۱۷ جلد است این حدیث را از ۱۲۰ نفر نقل کرده است. محمد ابن جریر طبری در کتاب رد علی الخرقوضیه از ۷۵ طریق، ابن عقده در کتاب ولایت، حدیث را از ۱۲۵ راوی بیان داشته است. از ابوالمعالی جونی نقل است که او بیان داشته است: "در بغداد در دکان صحاف، کتابی دیدم که روایت غدیر را در آن جمع آوری کرده بود و بر پشتش نوشته شده بود: «جلد ۲۸ از طرق حدیث من کنت مولاه»." سید مرتضی نیز در کتاب شافی بیان داشته است که "ما هیچ فرقه‌ای از فرق اسلامی را ندیده‌ایم که منکر اصل حدیث غدیر باشد." و در نهایت کتاب ارزشمند الغدیر تألیف علامه امینی، جامع‌ترین دائرة المعارف برای اسناد روایت غدیر می‌باشد.

پس بر ماست بزرگداشت این عید بزرگ. در روایتی در صحیح مسلم به نقل از طارق بن شهاب آمده است: جمعی از یهود به خلیفه دوم گفتند: اگر بر ما قوم یهود چنین آیه‌ای نازل می‌شد (الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی) و ما می‌دانستیم که در چه روزی نازل شده است، حتماً آن روز را عید قرار می‌دادیم.

منابع: الغدير، تفسير الميزان، شرح آیت الله جوادی آملی بر ماجرای غدیر، حق الیقین

(علامه مجلس)